

بسم الله الرحمن الرحيم

روزنامه نگار(اسرائیلی): دولت ما در سمت زوال است

(ترجمه)

روزنامه عبری "هآرتس" مقاله‌ای را از نویسنده مشهور صهیونیستی، "آری شاپوت" منتشر کرد. وی مقاله‌اش را با این گفته آغاز نمود: «به نظر می‌رسد ما از نقطه‌ای عبور کردیم که دیگر راه برگشتی برای ما نیست؛ ممکن اسرائیل دیگر نتواند به اشغال داده، شهرک‌سازی‌های یهودی را متوقف و به صلح دست یابد. به نظر می‌رسد که اسرائیل دیگر نمی‌تواند صهیونیزم را اصلاح نموده، دیموکراسی را نجات داده و مردم این سرزمین را تقسیم نماید.» وی افزوده گفت: «از آن جایی که شرایط این‌گونه است، نه ذوقی برای زندگی در این کشور است، نه ذوقی برای نوشتن در هآرتس و نه ذوقی برای خواندن هآرتس باقی مانده است. ما باید کاری را انجام دهیم که "روگل آفر" دو سال پیش پیشنهاد داده بود؛ یعنی خروج از این کشور؛ در صورتی که اسرائیلی بودن و یهودی بودن، دو عامل حیاتی در هویت نیستند و در صورتی که هر شهروند اسرائیلی پاسپورت/گذرنامه خارجی دارد، نه تنها از نظر کارشناسی، بلکه از نظر روانی، دیگر کار تمام است.»

این نویسنده بر این تأکید داشت که (اسرائیلی‌ها) از زمانی که به فلسطین آمدند، متوجه شدند که نتیجه دروغی هستند که جنبش صهیونیستی آن را پدید آورده است؛ دروغی که طول تاریخ از طریق آن هر مگری را در شخصیت یهودی به کار برده است؛ همان‌طور با سوءاستفاده از آن‌چه آن را بنام همه سوزی یهودی توسط هیتلر "هولوکاست" نامیده و در آن اغراق می‌نمودند. این جنبش توانست جهان را متقاعد کند که فلسطین "سرزمین موعود" است و هیکل ادعاشده در زیر مسجدالاقصی قرار دارد. این چنین این گرگ چوپه بزی شد که از پول مالیات دهندگان امریکایی و اروپایی شیر می‌خورد، تا این که تبدیل به هیولای هسته‌ای شد.

این نویسنده شجاعت‌اش را در تحریر این نوشته از باستان‌شناسان غربی و یهودی الهام گرفته است که مشهورترین آن‌ها "اسرائیل فلینتشتاین" از دانشگاه تل ابیب است. این باستان‌شناسان بر این تأکید دارد که «وجود هیکل یک دروغ و افسانه خرافاتی است که وجود واقعی ندارد و تمام کاوش‌ها این را ثابت کردند که از این هیکل هزاران سال است هیچ آثاری وجود ندارد، و این موضوع به صراحت در تعداد زیادی از منابع یهودی بیان شده و بسیاری از باستان‌شناسان غربی بر این موضوع تأکید نمودند...

آخرین باستان‌شناسی (که در خصوص هیکل سلیمان کاوشگری نموده بود) "دکتر کیتلین کابینوس" باستان‌شناس انگلیسی است، وی در زمانی که مدیر کاوش‌های باستان‌شناسی بریتانیا در قدس بود، در سال 1968م حفاری‌هایی در قدس انجام داد، که بعداً به دلیل افشای افسانه‌های (اسرائیلی) درباره وجود هیکل سلیمان در زیر مسجد الاقصی از فلسطین اخراج شد... چون وی فیصله بر این نموده بود که کدام اثری از هیکل سلیمان هرگز وجود نداشته است. وی کشف نمود که آن‌چه را اسرائیلی‌ها (ساختمان اصطبل‌های سلیمان، می‌نامند، هیچ ربطی به سلیمان یا اصطبل‌های آن ندارد، بلکه یک مدل معماری قصری است که معمولاً در چندین منطقه فلسطین ساخته شده است.

این در حالی است که این باستان‌شناس از طرف انجمن صندوق اکتشاف فلسطین به منظور وضاحت بخشیدن به آنچه در روایات توارات آمده بود، به فلسطین اعزام شده بود، چون در اواسط قرن نوزدهم در انگلیس در خصوص تاریخ "خاور میانه" فعالیت زیادی انجام شده بود. اما در عوض این باستان‌شناس با الفاظ شدیدی چنین می‌گفت "ملعون‌ترین دروغ، دروغی است که (اسرائیلی‌ها) پی در پی به آن می‌پردازند؛ امروز نه روز دیگر، به صورت شان سیلی خواهند خورد، با کاردی که یک بیت المقدسی، خلیلی و یا نابلسی، یا با سنگی که یک جماعینی و یا راننده اتوبوس از یافا و حیفا و عکا، در دست دارد! اسرائیلی‌ها درک نمودند که در فلسطین آینده‌ای ندارند؛ زیرا برخلاف دروغ آنان، فلسطین یک سرزمینی بدون صاحب نیست.»

برگرفته شده از شماره 447 مجله الوعی

ربیع الآخر 1445 هـ.ق.

نوامبر 2023 م.

مترجم: محمد علی مطمئن